معلم (شاعر) | آل احمد (نویسنده) | امیر حسین فردی (نویسنده) | ابوالفضل عالی (گرافیست) | شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) | صفار زاده(نویسنده) | حمید سبزواری(شاعر) | مهرداد اوستا(شاعر) | اکبر خلیلی(نویسنده) | نصرالله مردانی (شاعر) | مسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست) | حبیب الله معلمی (شاعر) | علیرضا قزوه(شاعر) | محمدعلی گودینی (نویسنده) | علی محمدمؤدب (شاعر) | اکبر صحرایی (نویسنده) | محمدمهدی سیار (شاعر)

## راه تازه!

نگاه

■ پژمان کریمی

**نظریه‌پرداز ژاپنی‌الاصل آمریکایی «فرانسیس فوکویاما» از آینده محتومی خبر می‌داد که در افق آن، «لیبرالیسم فرهنگی» فرهنگ دیگر ملل را سایه می‌افکند و هضم می‌کند.**

امروزه، از ترکیب واژه «جهانی شدن» سخن می‌رود. مراد از این ترکیب، یکسان‌شدگی فرهنگ ملل در قالب روندی شتابزده است. برخی جهانی شدن و فراز آمدگی و استیلای لیبرالیسم فرهنگی را همسان و واقعیتی یگانه معنا می‌کنند. اما آیا پیش‌بینی فوکویاما به‌راستی در حال تحقق است؟

آیا می‌توان با قاطعیت از جهانی شدن به عنوان سرنوشتی ناگزیر سخن گفت؟

امروز، دیگر پوشیده نیست که در صحنه معادلات قدرت در ابعاد بین‌المللی، ملتی و حاکمیتی، مجال عرض اندام دارد که بتواند افکار عمومی و جهانی را به نفع خود مهندسی کند و ورز دهد. به عبارت دقیق‌تر، اراده‌ای برتر است که هنجارهای فرهنگی خود را در صدر هنجارهای فرهنگی مخاطبان خود، تحمیل کند تا بدین شیوه، مجال طراحی و مدیریت رفتار «دیگران» را بدست گیرد.

در همین مسیر است که اکنون، «رسانه» بیش از سلاح‌های گرم و سرد شناخته شده، کاربرد یافته است. چرا که- پرواضح است- «رسانه» ابزار مهندسی اندیشه و فرهنگ است. با نگاه به آنچه اشاره شد، در سند راهبرد دفاعی هر جامعه و کشوری، تقویت و اشاعه عناصر ذهنی و عینی فرهنگی در مرزهای داخلی و نیز به رخ کشیدن و گستراندن فرهنگ در فراسوها، یک ضرورت است.

باید گفت، پرچمداران لیبرالیسم فرهنگی اکنون برای یکسان‌سازی فرهنگی و تحقق جهانی شدن، به تحمیل فرهنگ لیبرالیستی و نفی و تضعیف عناصر فرهنگی دیگر ملل مشغول‌اند. آنها ظرفیت جذب لیبرالیسم را که مبتنی بر لذت‌جویی وانسان‌مداری است و نیز قدرت رسانه‌ای خود را پیش می‌کشند و فرهنگ‌های دیگر را سرکوب و تحقیر می‌کنند. اما اندیشمندانی بر آن‌اند که تجربه دست کم دو دهه گذشته- گسترش اسلام در سراسر جهان- نشان می‌دهد؛ فرهنگها، عناصر مطلوب فرهنگهای مهاجم و یا همجوار را جذب و متناسب با اراده و هنجارهای فرهنگی خود، ریخت می‌دهند.

بیداری اسلامی در سطح خاورمیانه، روشن‌ترین نمودار شکست اراده جهانی شدن است. بحرین کشوری کوچک است که حاکم مستبد و دستگاه سیاسی آن کاملا مجذوب و مدافع لیبرالیسم فرهنگی به شمار می‌آیند. اما حرکت اسلام‌گرایان و مقاومت آنها در برابر استبدادجویی حکام سرزمین‌شان، کدام نشانه از استیلای فرهنگ غیرخودی را در بدنه مردمی بحرین به نمایش گذاشته است؟ با این حال، غفلت‌زدگی از تهاجم فرهنگی، نشناختن هنجارها و منزلت فرهنگ خودی، طراحی نکردن سبک زندگی با الگوی فرهنگی و نیز به تعبیر اندیشمندی؛ مهاجم نبودن فرهنگ خودی و اسارت در دام انفعال فرهنگی در برابر فرامرزها، به داعیه‌داران لیبرالیسم فرهنگی فرصت مسخ فرهنگی دیگران را سخاوتمندانه اعطا می‌کند.

## ضیافت هر ساله کتاب

■ محمد غفاری

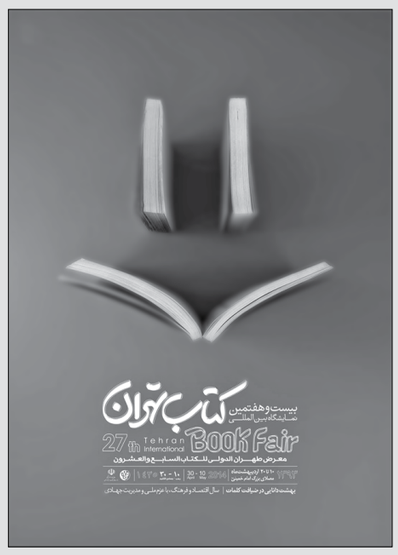


بهار هر سال با آمدن اردیبهشت، تب کتاب نیز از راه می رسد تا بار دیگر اهالی فرهنگ نفسی تازه کنند و تولد بزرگ ترین اتفاق فرهنگی کشور را جشن بگیرند. اتفاقی که همه علاقه مندان به کتاب را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و هر کدام می کوشند تا نقش ویژه‌ای در این جشن داشته باشند. نمایشگاه کتاب در ایران تولد مطالعه و کتابخوانی است و زمینه مناسبی برای ترویج فرهنگ و هنر ملی. این نمایشگاه گزارشی از وضعیت یک ساله ی نشر کشور است و این بدان معنی است که مبدا و پایه اصلی وضعیت فرهنگی کشور در طول یک سال است. توجه ویژه رهبر معظم انقلاب، که خود به معنای واقعی یک کارشناس در حوزه کتاب است، به نمایشگاه و حضور هر ساله ایشان، نشان از رسالت سنگین نمایشگاه کتاب تهران در وضعیت فرهنگ عمومی دارد. در این سال ها اقدامات متنوع و خوبی در طول برگزاری نمایشگاه صورت پذیرفته است که آن را از محل ویژه کتاب به مکانی برای ترویج فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی تبدیل کرده است. برگزاری مراسم های جنبی با موضوعات مختلف، رونمایی از آثار تازه منتشر شده، جلسات شعرخوانی و داستان خوانی و طرح مباحث تخصصی نقد و اندیشه در حوزه علوم انسانی و دیگر فعالیت‌های از این دست از کارهایی است که می‌تواند بار علمی نمایشگاه را ارتقا داده و مخاطب را بایک فضای فرهنگی روبه‌رو کند تا علاوه بر کتاب، از اتفاقات پیرامونی آن نیز دور نماند.

بی شک هر کس که به نمایشگاه می رود اولین نکته ای که ذهنش را درگیر می کند، ازدحام بیش از حد جمعیت است. جمعیتی که نه تنها شهروندان تهرانی، بلکه همه علاقه مندان به کتاب از سراسر ایران را متشکل می‌شود. هر چند این شلوغیِ مدام گاه آزار دهنده می شود، اما نباید از پیام آن غافل بود. پیامی که می تواند هشداری جدی باشد به فعالان عرصه کتاب و کتابخوانی. پیامی که نشان دهنده این است؛ مردم با کتاب رابطه خوبی دارند و از آن استقبال می کنند؛ و این موضوع از شور و شعفی که در ایام نمایشگاه ایجاد می شود و لذتی که دوستی با کتاب به ارمغان می آورد کاملا مشهود است. مسئولین باید بدانند که عدم برنامه ریزی صحیح و نادیده گرفتن سلایق مخاطبان است که سبب می شود مردم با کتاب فاصله بگیرند و دچار رکود شوند، در غیر این صورت توجه به کتاب همواره وجود دارد.

مردم ما کتاب را دوست دارند و نمایشگاه را بهانه و فرصتی می دانند که به آن نزدیک تر شوند و آنچه که بستر ساز این اتفاق می‌شود توجه ویژه و تبلیغاتی است که در این ایام خاص برای کتاب و کتابخوانی صورت می‌پذیرد. در واقع کتابخوانی در ۱۰ روز نمایشگاه از غربت درآمده و نگاه ها در آن متمرکز می شود؛ کتاب جذاب می شود و بخش زیادی از برنامه‌های رسانه های مختلف، صفحات رنگی مجلات و روزنامه ها و... به انعکاس اخبار مربوط به نمایشگاه اختصاص می‌یابد. حال جای سوال است که چرا این جذابیت تنها به همین ایام محدود می شود و با پایان نمایشگاه پرونده کتاب تا سال بعد بایگانی می شود؟! و شاید پاسخ این سوال بتواند راه‌گشای پرسشی دیگر باشد. این‌که چرا میزان مطالعه در کشور ما خیلی خیلی کمتر از میزان متوسط مطالعه در سایر کشورهای جهان است!

از طرف دیگر جدا از نقش مردم و مسئولین، نباید نقش ناشران را در این جشن بزرگ نادیده گرفت. ناشران برگزار کنندگان اصلی نمایشگاه هستند و همه تلاششان در طول سال حضور پررنگ و موفق در نمایشگاه است. همین عامل مهمی است که تدارک خوبی ببینند تا با کتاب های خاص و پرمخاطب حاضر شوند. ولی آنچه که نباید از آن غافل بود، تداوم حساسیت و توجه ناشران به ارائه بهترین کتاب ها و با کیفیت خوب آن در طول سال است. نگاه فروشگاهی به نمایشگاه متاسفانه آفتی است که بسیار از ناشران را درگیر خود کرده است و مجموعه نمایشگاه را تهدید می کند. در واقع ناشران می بایست از نمایشگاه به عنوان ویترینی برای نمایش کتاب های خود استفاده کرده و در طول سال برای فروش کتاب اقدام کنند اما آنچه که در نمایشگاه کتاب به چشم می خورد اولویت فروش است که همه وقت و ذهن غرفه داران را به خود مشغول کرده است.

آنچه که نمایشگاه کتاب تهران برای مخاطبانش به ارمغان می آورد، لذت کتابخوانی است و این در بین معدود فعالیت های فرهنگی کشور، هدیه ای ارزشمند و مبارکی است که تداوم آن می تواند بهار روشنی را در راستای فرهنگ کتاب و کتابخوانی به همراه داشته باشد. مسلم است که بهتر و پررنگ شدن نمایشگاه، بر غنای فرهنگی کشور می‌افزاید و می‌تواند نقش بسزایی در معرفی ایرانی فرهنگی در سطح بین الملل ایفا کند. مردم ایران قرن‌هاست که با کتاب زندگی می کنند و از آن لذت می‌برند و تاریخ و اعتبار خود را با داستان ها و اشعار مختلف پیوند زده و سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل می کنند؛ پس داشتن جشن های این چنینی حق طبیعی و شهروندی آن هاست.

معاون پژوهشی وزارت آموزش وپرورش:

## اگر «مرحوم فردی» در میان ما بود، یک اقدام جهادی انجام می‌داد

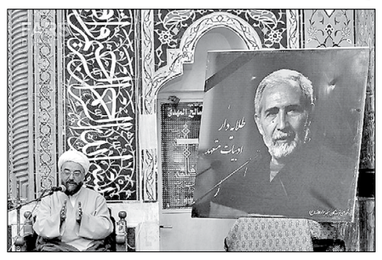

**معاون پژوهشی وزارت آموزش و پرورش گفت: اگر امیرحسین فردی امروز در میان ما بود، یک اقدام جهادی دیگر انجام می‌داد و یا در شرف انجام بود، مثل کارهایی که قبل از انقلاب انجام داده است.**

حجت‌الاسلام محی‌الدین بهرام محمدیان، معاون وزیر آموزش و پرورش در مراسم نخستین سالگرد درگذشت " امیرحسین فردی " در مسجد جوادالائمه با اشاره به اینکه انسانی که در عرصه‌های علمی فعالیت می‌کند، سرباز فرهنگ است و بدون شک نبودنش به چشم می آید ، گفت : روزگار انسان را از چیزهای ارزشمندی که از دست می‌دهد، غافل می‌کند.

وی در ادامه سخنانش افزود : اگر امیرحسین فردی امروز در میان ما بود، یک اقدام جهادی دیگر را انجام می‌داد و یا در شرف انجام بود، مثل کارهایی که قبل از انقلاب انجام داده است. کارهایش در اذهان خواهد ماند . در مسجد کتابخانه می‌ساخت، شاگرد تربیت می کرد اما امروز بسنده کردن به کارهایی که او پیش از انقلاب انجام داده، کافی نیست.

محمدیان اظهار داشت : امسال سال فرهنگ است، باید پایه فرهنگ مهاجم را نقد کرد و پرده از چهره مزورش برداشت. باید نسل امروز را متوجه قله‌ها کرد و حرکت در دامنه‌ها کفایت نمی‌کند. برای انجام کار فرهنگی باید خون دل خورد و تهمت شنید. این کار مثل ساختمان‌سازی نیست که نمایش و گزارش داشته باشد، کار فرهنگی زمان بر است و حتماً خون‌دل می‌خواهد.

محمدیان با ارائه درخواستی از دبیر و برگزارکنندگان جشنواره شهید غنی‌پور بیان کرد: از برگزارکنندگان جشنواره شهید غنی‌پور می‌خواهم طرحی نو دراندازند. پایه همان پایه است اما جهت و مقصد این جشنواره باید متعالی‌تر شود.

گفت و گو با دکتر اثباتی معاون فرهنگی بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری

# باید افکار شهید مطهری را احیا کنیم

**اشاره**

**بهروز اثباتی دبیر ستاد بزرگداشت شهید مطهری و البته معاون فرهنگی بنیاد شهید مطهری هم هست. او که یکی از پیشکسوتان دوران دفاع مقدس و از فعالان فرهنگی است انس و الفت زیادی با اندیشه‌های شهید مطهری دارد.**

**در گفت و گوی زیر نگاهی به فعالیت‌های معاونت فرهنگی بنیاد مطهری و ستاد بزرگداشت شهید مطهری انداختیم که در ادامه می خوانید.**

**یکی از اهداف و ماموریت‌های معاونت فرهنگی ترویج آراء و افکار شهید مطهری در عرصه فرهنگی و یکی هم مدیریت دبیرخانه ستاد بزرگداشت شهید مطهری است. در ابتدا در مورد هدف ایجاد معاونت فرهنگی در بنیاد شهید مطهری برای ما بگویید.**

واقعیت این است که در طول سال‌های بعد از شهادت استاد مطهری، نگاه ما به ایشان بیشتر در حوزه آموزش معنا پیدا کرده است. نهادهای انقلابی در آغاز انقلاب چون نیاز داشتند بنیان‌های ایدئولوژیک خودشان را محکم کنند، از آثار شهید مطهری استفاده کردند. برای همین آثار ایشان از نظم منطقی و غنای محتوایی خاصی برخوردار شد. رویکردها به این سمت رفت که مطالب ایشان دسته‌بندی شود و در دسترس همه قرار گیرد. از جمله این که مطالب شهید مطهری در قالب‌های کلاسیک رفت و بسیار فراگیر هم شد. بعد از این که نسل اول انقلاب انرژی‌شان فروکش کرد، یا پیر شدند، یا شهید و... نسل بعدی کمتر با این جوهر و گوهر ارتباط گرفت. در این زمان کم‌کم یک فاز دیگر از عملیات فرهنگی و تهاجم فرهنگی دشمن خودش را نشان داد.

معاونت فرهنگی، متولی بخش فراموش شده پرداختن به آثار شهید مطهری است. خلاصه بگویم. ما در سه بعد هنر، ارتباطات و رسانه و ادبیات فعال هستیم. مجموعه کارهایی که در خصوص شهید مطهری وجود دارد در این سه زمینه برای ما معنا پیدا می‌کند. ما در اغلب رشته‌های هنری حضوری جدی و مستمر داریم. اخیرا هم در بحث تاریخ شفاهی کار می‌کنیم که فاز جدیدی است و در آینده نزدیک نتایجش مشخص می‌شود.

**در معاونت فرهنگی جامعه هدف‌تان چه قشری از جامعه است. برنامه‌ها حول محور چه جامعه هدفی برنامه‌ریزی می‌شود؟**

در بحث رسانه، عامه مردم جامعه هدف ما هستند. اما وقتی در مقوله هنر ورود پیدا می‌کنیم، جامعه هدف مشخص و خاص می‌شود. مثلا کنگره شعر هم مخاطبانش مشخص است و هم شرکت‌کنندگانش. برای همین به فراخور برنامه‌ای که تهیه می‌شود، جامعه هدف هم مشخص می‌شود. اگر به سمت هنرهای تجسمی برویم، مخاطب تیپ خاص خودش را دارد. منظورم این است که از عام‌ترین شکل کار که فعالیت‌های رسانه‌ای است تا تخصصی‌ترین کار مثلا انیمیشن و داستان و ادبیات برنامه‌ریزی می‌کنیم.

**بسیاری از اندیشمندان هستند که بعد از انقلاب برای آنها بزرگداشت گرفته می‌شود و برای برخی نیز ستاد بزرگداشت وجود دارد. اما هیچ‌کدام به این اندازه در ترویج آرا و افکار اندیشمندان موفق نیستند. نقش معاونت فرهنگی در جا افتادن این موضوع که شهید مطهری به عنوان یک شخصیت فرهنگی شناخته شود نه حزبی و سیاسی چقدر است؟**

برآورد من این است که قوام و دوام اندیشه‌های شهید مطهری مدیون نگاه امام خمینی(ره) و بعد از ایشان، مقام معظم رهبری است. اگر تأییدات و پی‌گیری‌های امام خمینی(ره) نبود، جامعه تا این اندازه شهید مطهری را نمی‌پذیرفت. همچنین تأییدات مقام معظم رهبری که در برخی سخنرانی‌هایشان، جوانان و مسئولان را به مطالعه آثار شهید مطهری دعوت می‌کنند. در واقع نظام و رهبری شاخص این موضوع هستند. ضمن اینکه گرایش جوانان اول انقلاب، حضور نهادهای مردمی و انقلابی مثل بسیج، نیروی انتظامی، جهاد دانشگاهی، نهاد رهبری در دانشگاه‌ها و البته تلاش خانواده محترم شهید در بحث ترویج آرا و افکار شهید مطهری در این نگاه بی‌تأثیر نبوده است.

پس باید چهار عامل را برای شما بشمارم که نقش عمده در ترویج افکار شهید مطهری داشتند. روشنفکران متعهد و دلبسته به انقلاب، روحانیون، نهادهای انقلاب و از همه مهم‌تر نهاد رهبری در نظام.

**با وجود این چرا در طول سال‌های بعد از انقلاب برای راه‌اندازی بنیاد شهید مطهری اقدامی نشد؟**

قبول دارم که بنیاد مطهری با یک وقفه معناداری بعد از شهادت استاد راه‌اندازی شد، اما باید قبول کنیم که شخصیت و آراء شهید مطهری فراتر از محدودیت‌های سازمانی است و این از جمله عواملی بوده است که مدت زمان زیادی این مهم تأخیر پیدا کرده است. با این حال در طول چند سالی که بنیاد راه‌اندازی شده، به نظرم هنرش این است که ظرفیت عظیمی که در جامعه نسبت به شهید مطهری وجوددارد را حفظ کند و به نسل آینده منتقل کند. هر چند چهار رکنی که شهردم همیشه نقشی اساسی در ترویج آراء شهید مطهری دارند. به نظر من جوهره این چهار رکن، ستاد بزرگداشت را از اولین سالگرد شهادت استاد مطهری تا امروز سرپا نگه داشته است.

باید باور کنیم برای ماندگار شدن افکار شهید مطهری باید به فعالیت‌های هنری و فرهنگی توجهی جدی کنیم. غیر از صداوسیما تعداد زیادی از رسانه‌های ما شهید مطهری و نشر آراء، اندیشه‌ها و آثار ایشان را فراموش کرده‌اند. یکی از وظایف ما در بنیاد احیای افکار شهید مطهری در جامعه است.

همیشه در جلسات می‌گویم که اگر نتوانیم افکار شهید مطهری را با بدنه جامعه که جوانان هستند، مرتبط کنیم، نسل‌های بعد به راحتی فراموش خواهد شد. باید به جوان‌ها حق داد. از صبح با خبر لیونل مسی و رونالدو زندگی می‌کند و تا شب وقتی می‌خوابد اینها حضوری جدی در رسانه‌ها و زندگی مردم دارند. تازه این در خوش‌بینانه‌ترین حالت است که جوانان به رسانه‌های وطنی و ملی توجه کنند. آنها که با رسانه‌های دیگر سروکار دارند وضع‌شان معلوم است. این طبیعی است؛ چون امروز چنین گنج گران‌بهایی را نمی‌شناسند. باور کنید، هر جوانی با کم‌ترین صفای دل سراغ آثار شهیدمطهری برود، با آن ارتباط برقرار می‌کند.

شهید مطهری چکیده و خلاصه امام‌خمینی است و امام هم خلاصه و چکیده ۱۴۰۰سال تفکر ناب و صحیح شیعه است. حیف است شهیدمطهری را در قالب هنر ارائه ندهیم. حیف است شهید مطهری در آثار داستانی و شعر ما حضور نداشته باشد.

**فکر نمی‌کنید نام شهید مطهری با فرهنگ و هنر ۳۰سال پیش گره خورده است. امروز تلقی‌مان از پوستر شهید مطهری، همانی است که اول انقلاب بوده. گل و مرغ و شکل اسلیمی با تصویری از شهیدمطهری. همین‌طور در هنرهای دیگر. نه تنها در کشورمان که در دنیا تلقی نسبت به فرهنگ و هنر تغییر کرده. هنر امروز با هنر ۳۰سال پیش فرق دارد، اما ما همچنان در گذشته مانده‌ایم. چرا هنر مدرن با تبلیغات فرهنگی ما نتوانسته ارتباط برقرار کند؟**

ابعاد مسئله گوناگون است. گفتم به لحاظ ادبی و هنری غفلت طولانی داریم. چرایی‌اش به نظرم ابعاد و دلایل گوناگون دارد. یکی‌اش مدیریتی است که نمی‌بینند. اگر مدیران ما وجه همت‌شان شناساندن و شناختن شهید مطهری باشد این اتفاق نمی‌افتد. دوم اینکه نهادهای انقلابی ما شهید مطهری را در قالب آموزش و پژوهش می‌بینند نه فرهنگ. شهیدمطهری قبل از اینکه استاد و معلم باشد، یک مبلغ است. او به دانشگاه می‌رود نه برای تدریس، بلکه برای ترویج فرهنگ اسلامی و انقلابی. بخش اعظمی از آثار شهیدمطهری منبر است. البته این از نقاط قوت شهید مطهری است که منبرهای عالمانه و حکیمانه می‌رود. کم‌اند افرادی که منبرها و سخنرانی‌هایشان قابلیت کتاب شدن داشته باشد. اوج توانایی شهیدمطهری منبرهای عالمانه است. یعنی ایشان از رسانه سنتی به شیوه‌ای مدرن استفاده کرده است. ما اینها را فراموش کردیم. منبر امروز محیط مجازی و هنرهای تجسمی است. نهادهای سنتی و مدیریت امروز ما این قضیه را باور ندارند. باور نمی‌کنند شهید مطهری را می‌شود در قالب‌های نوین هنر ترجمه کرد. هنوز از خودم و نظام گله دارم که بعد از این همه سال سریال شهید مطهری کجاست؟ در میان سریال‌سازی‌هایی که اخیرا باب شده، شهید مطهری چه جایگاهی دارد؟

ما اولین دوره جشنواره شعر را که برگزار کردیم، قبل از آن یک شب شعر برگزار کردیم. دیدیم در این شب شعر هم شاعران و هم شعرها متعلق به ۳۰ سال پیش هستند. البته ما هم تقدیر کردیم. اما به یک سؤال رسیدیم. نسل جوان کجا هستند؟

دو سال تلاش کردیم. جلسات مختلف، هیئت علمی قوی گذاشتیم و نسل جوان را با شهید مطهری آشنا کردیم. جشنواره که برگزار شد. تعداد زیادی از شاعران جوان حضور پیدا کردند و ۵۰۰-۶۰۰ اثر قابل قبول به جشنواره رسید.

ای کاش به اندازه بزرگی کردیم که ستاد بزرگداشت به میزبانی بنیاد برگزار شود. این پیشنهاد هم دلیل داشت. چون در این اواخر خیلی سهل‌انگارانه نسبت به ستاد برخورد می‌شد و جلسات منسجم نبود. به هر حال به همت آقای جعفری جلوه قائم‌مقام مدیرعامل بنیاد و حمایت‌های دکتر لاریجانی و شخصیت‌های برجسته دیگر ستاد بزرگداشت به بنیاد منتقل شد.

البته این را بگویم که در طول این سال‌ها همه دوستانی که زحمت کشیدند، عاشقانه سالگرد شهادت استاد مطهری را برگزار کردند. نهادها بنا به تعهدی که داشتند کار را جلو می‌بردند نه وظیفه سازمانی و ستاد برگزاری منشاء اثرات بسیار خوبی بوده است.

**به نظر می رسد مصوباتی که در جلسه ستاد بزرگداشت برگزار می‌شود، ضمانت اجرایی چندانی نداشته باشد. فکر نمی‌کنید، جلسات کمی بدون پشتوانه نظری برگزار می‌شود و ستاد رسالت تدوین شده و مشخصی ندارد. بیشتر به قول شما از روی احساس وظیفه است. ممکن است در یک لحظه بسته به شرایط اعضا احساس وظیفه نکنند.**

نگاه ما این نیست. قبول داریم که ستاد بزرگداشت تاکنون سند مکتوب و مدیریتی نداشته است. البته برای این نقیصه مشغول تهیه آن هستیم و در این راستا در حال تدوین هدف و چشم‌انداز برای ستاد بزرگداشت هم هستیم. اما یادمان نرود ستاد بزرگداشت، جنس حضورش تعهد است. تعهد آدم‌ها را می‌کشاند. دستگاه‌ها وظیفه ذاتی‌شان نیست که برای شهید مطهری بزرگداشت بگیرند. یک برآورد سرانگشتی کردم که در طول سال چیزی حدود ۷-۸ میلیارد تومان برای سالگرد شهید مطهری هزینه می‌شود. این هزینه بدون هیچ دستور و ابلاغی است. دانشگاه‌ها، مساجد، هیئت‌ها، پایگاه‌های بسیج، کانون‌های مردمی و خلاصه هر کسی هر کاری از دستش برمی‌آید انجام می‌دهد.

**به نظر می‌رسد اعضای ستاد کم به جلسات می‌آیند. ستاد ۲۵-۳۰ عضو دارد، اما در هر جلسه ۱۰-۱۲ سازمان بیشتر نمی‌آیند. چرا؟**

البته آمار شما صحیح نیست و این‌گونه نیست که ده یا دوازده نهاد بیایند. روش ما روشن است ما همه اعضا را دعوت می‌کنیم. پیش از این گفتم اینجا ستاد ساختاری و ابلاغی نیست. ستاد تعهدی است. ممکن است مدیران بسته به مشغله نتوانند در یک جلسه شرکت کنند، اما در یک گردش معمولی همه حضور پیدا می‌کنند. در طول سال ۷-۸ جلسه می‌گذاریم.

**سؤال آخر اینکه اگر ستاد بزرگداشت نبود، سالگرد به این گستردگی برگزار می‌شد؟**

باورم این است که برنامه‌های شهید مطهری به همین می‌ماند. اما ستاد سطح و انگیزه‌ها را بالا می‌برد. اگر ستاد نبود سالگرد شهید مطهری به این شکل و در این سطح مطرح نبود. ما شهدای بزرگواری داریم که برای آنها نیز سالگرد گرفته می‌شود، اما نه در این سطح.

شهید مطهری و نیازهای جوانان مملکت امکانات داشتیم که با زبانی غیر از زبان مستقیم، با زبان ادب، هنر و فرهنگ با مردم ارتباط برقرار کنیم.

**بگذارید از جلسات ستاد بزرگداشت بپرسیم. این ستاد چند سال است به بنیاد منتقل شده و دارای چه پیشینه‌ای است؟**

یکی از نقاط‌قوت برگزاری سالگرد شهید مطهری، وجود ستاد بزرگداشت است. این ستاد از اولین سالگرد تشکیل شد و به صورت سالانه فعالیت کرده است. البته احوالش یکسان نبوده است. زمانی منحصر به پی‌گیری خانواده شهید مطهری بود. زمانی آموزش و پرورش متولی برگزاری بزرگداشت بود، زمانی سازمان‌های تبلیغات، اوقاف، نهاد رهبری در دانشگاه و خلاصه هر بار در جایی برگزار شده است.

از ۴ سال پیش که بنیاد آغاز به کار کرد، خودمان پیشنهاد

## اخباری از نویسندگان

### دو مجموعه شعر صاعدی در جشن کتاب

**دو مجموعه شعر عبدالعظیم صاعدی با نام‌های «طعم تکه‌های روحم» و «صبح پشت پنجره» از سوی انتشارات تجلی مهر روانه نمایشگاه کتاب تهران شد .**

به گزارش خبرگزار کیهان ، مجموعه شعر «طعم تکه‌های روحم» دربرگیرنده فضاهای عاطفی است و از این حیث با کارهای قبلی صاعدی متفاوت است. همچنین مجموعه شعر «صبح پشت پنجره» دربرگیرنده شعرهای آزاد این شاعر است که با مضامین مختلف سروده شده‌اند.

### سفیر اردهال به ضیافت کتاب آمد

**دو کتاب با عنوان «بیا با هم بخندیم » و « سفیر اردهال» برای مخاطبان کودک و نوجوان با نویسندگی کامران شرف شاهی توسط انتشارات «سفیر اردهال» به نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران آمد.**

کامران شرفشاهی، نویسنده در گفت‌وگو با خبرنگار کیهان درباره تازه‌ترین اثر منتشر شده خود با عنوان « سفیر اردهال» خبر داد و گفت : این کتاب به روایت منظوم زندگانی حضرت سلطان علی‌بن محمد باقر (ع) برای کودکان و نوجوانان می پردازد . و کتاب « بیا با هم بخندیم » نیز حاوی ۱۸ داستان کوتاه در قالب طنز است .

از این شاعر و نویسنده معاصر سه کتاب دیگر با عنوان ؛ مجموعه شعر «از همیشه عاشقانه‌تر» ؛ مجموعه قطعه های ادبی «واگویه های ارغوانی» ؛ مجموعه داستان دفاع مقدسی « همسفر سرخ» در نمایشگاه عرضه شده است .

### «نام آوران ایران زمین» در نمایشگاه بیست و هفتم

**کتاب دو جلدی «نام آوران ایران زمین» تالیف احمد لرستانی، با معرفی بیش از یک هزار و ۲۰۰ چهره سرشناس ایرانی در رشته‌های مختلف توسط انتشارات عصر گویش روانه بازار نشر می‌شود.**

این اثر در یک هزار و ۷۰۰ صفحه در قالب دو مجلد تالیف و تدوین شده که با معرفی افتخارات هشت هزارساله ایرانی، ارتقا فرهنگ خودباوری در نسل جدید را در عرصه های گوناگون علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی دنبال می‌کند. جلد نخست این اثر دائره‌المعارفی شامل شش فصل است که به طور کلی در برگیرنده موضوعاتی چون معرفی فرهنگ، فلسفه، علم و هنر ایرانی افتخارات و نوع آوری ایرانیان از دوره باستان تا دوره معاصر است .

### سه کتاب از شاعر « انقلاب آینه ها » در نمایشگاه کتاب بیست و هفتم

**کتاب شعر « انقلاب آینه ها » از آخرین آثار ادبی عبدالرحیم سعیدی راد که توسط انتشارات سروش منتشر شد ، در نمایشگاه در دسترس مخاطبان قرار گرفت .**

این کتاب اشعار انقلابی است که در دو بخش به کوشش سعیدی راد جمع آوری شده . بخش اول شعرهایی که درباره امام خمینی ( ره) و در بخش دوم شعرهایی که در وصف انقلاب اسلامی سروده شده است . این کتاب در ایام دهه فجر رونمایی و حدود ۱۵۰ شعر شاعران را در برمی گیرد .

کتاب «معجزه‌ی الفبا» نیز که به اهتمام شاعر انقلاب «عبدالرحیم سعیدی راد» با موضوع نثر ادبی با رویکرد آیینی توسط انتشارات نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور منتشر شد ، در نمایشگاه کتاب حضور دارد .

همچنین کتاب « خورشید در مشت » با موضوع شعر بیداری اسلامی از این شاعر است که به تازگی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نقد و بررسی شد، در نمایشگاه در دسترس مخاطبان قرار گرفت .

### «حنجره‌های بیدار» به نمایشگاه کتاب آمد

**بهروز سپید نامه با کتاب «حنجره‌های بیدار» با موضوع شعر مقاومت شاعران عرب به نمایشگاه کتاب آمد .**

بهروز سپیدنامه، شاعر و نویسنده در گفت‌وگو با کیهان بیان داشت: کتاب «حنجره‌های بیدار» به تازگی از سوی انتشارات «روایت فتح» منتشر و روانه بازار نشر شده است. وی اضافه کرد: کتاب «حنجره‌های بیدار» با موضوع شعر مقاومت شاعران عرب به چاپ رسیده است . یعنی اشعار شاعران طراز اولی که به کنگره سال گذشته شعر مقاومت بین‌الملل اسلامی دعوت شده اند را ترجمه و در قالب کتاب، به چاپ رسیده اند.

سپیدنامه افزود : کتاب «حنجره‌های بیدار» دارای سه بخش نظیر «شعرهای کلاسیک»، «قالب‌های آزاد (سپید و نیمایی)» و «شعرهایی به زبان عربی محلی» است.

### شناخت نامه ادبی طاهره صفارزاده در جشن کتاب

رضا اسماعیلی ؛ شاعرآیینی از انتشار کتاب «از مذهب بیداران» شناخت نامه ادبی مرحوم طاهره صفارزاده به سفارش سوره مهر خبر داد .

رضا اسماعیلی شاعر در گفت‌وگو با کیهان در خصوص شناخت نامه طاهره صفارزاده گفت : این شناخت‌نامه به صورت کامل شخصیت علمی و ادبی صفارزاده را مورد بررسی قرار داده است، در این شناخت‌نامه علاوه بر گزیده‌ای از اشعار صفارزاده، زندگی‌نامه ادبی وی نیز بررسی شده است.

وی افزود: کتاب «از مذهب بیداران» دارای چهار بخش است که در بخش نخست، به معرفی و نقد آثار طاهره صفارزاده پرداخته شده و تمام کتاب‌هایی که وی از آغاز تا پایان چاپ کرده، در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.در بخش دیگر از این اثر به نظرات و دیدگاه‌های شخصیت‌های علمی و ادبی در باره صفارزاده اختصاص یافته است . همچنین در بخش دیگر کتاب « شناخت نامه طاهره صفارزاده » به گزیده‌هایی از اشعار وی، از میان مجموعه شعرهایی است که تا کنون به چاپ رسیده ، پرداخته ام. همچنین مجموعه شعر عاشورایی با عنوان «ناگهان دریا» این شاعر معاصر توسط انتشارات «تجلی مهر» به چاپ دوم رسید ه است .